

پژوهشهای حقوقی

فصلنامه علمی - ترویجی

شماره ۳۹

هزار و سیصد و نود و هشت - پاییز

- ۷ ● رویکرد محاکم بین‌المللی کیفری در برخورد با ازدواج اجباری به‌عنوان خشونت جنسی
دکتر احمدرضا توحیدی - آزاده داداشی
- ۴۱ ● مذاکره مجدد؛ انعکاس نیاز به استمرار تعادل مالی - اقتصادی در قراردادهای سرمایه‌گذاری صنعت نفت و گاز
دکتر محمد نامدار زنگنه - دکتر سید حسین طباطبایی
- ۶۷ ● مسئولیت مدنی اشخاص حقیقی ناشی از انتقال بیماری‌های مسری با تأکید بر حقوق انگلیس
دکتر علیرضا رجب‌زاده - بهاره شفیعی
- ۸۷ ● بررسی تطبیقی مالکیت کشتی رهاشده و قواعد حاکم بر آن
سید عباس متولی - دکتر محمود قیوم‌زاده - دکتر سید مرتضی نعیمی
- ۱۱۷ ● موجبات و موارد توسل به پاسخ‌های غیرکیفری به‌جای پاسخ‌های کیفری در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
دکتر رامین علیزاده - دکتر محمدعلی جاهد
- ۱۴۱ ● شیوه‌های پیشگیری و جبران خسارت در نقض حقوق مالکیت فکری
سکینه دهقان
- ۱۶۹ ● بررسی تطبیقی نحوه مشارکت خارجیان در شرکت‌های تجاری مناطق آزاد
الهام مقراضی‌اصل
- ۱۹۷ ● ماهیت جرم محال در حقوق ایران با نگاهی به حقوق انگلیس
دکتر ابوالحسن شاکری - دکتر محمود درویش‌ترابی
- ۲۱۷ ● مکانیسم‌های حل‌وفصل اختلافات در اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا؛ مدلی برای اکو
محمدرضا نریمانی زمان‌آبادی
- ۲۴۳ ● کوی‌بان به‌عنوان دادستان در نظام حقوقی زرتشتی
عزیز نوکنده
- ۲۷۱ ● پیشگیری از بزه‌دیدگی کارمندان دادگستری در ایران: مورد پژوهشی شهر بروجرد
دکتر جواد ریاحی - دکتر اسماعیل شریفی - آذین روحانی
- ۳۰۳ ● «اصطلاحات تجاری بین‌المللی» معادلی نادرست برای INCOTERMS
سید عزیز معصومی
- ۳۱۵ ● شناسایی و پیشگیری از فرصت‌های وقوع جرم سازمان‌یافته در بازار بین‌المللی عتیقه‌جات
نگارنده: دکتر سیمون مکزی - ترجمه: بهاره قانون





موجبات و موارد توسل به پاسخ‌های غیر کیفری به‌جای پاسخ‌های کیفری در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

دکتر رامین علیزاده* - دکتر محمدعلی جاهد**

چکیده:

بررسی تاریخ تحول حقوق کیفری حکایت از این دارد که همواره پاسخ‌های کیفری (مجازات‌ها) مدنظر قانونگذاران جوامع مختلف بوده، اما به‌مرور زمان نقش این مجازات‌ها در زمینه کیفرشناختی کم‌رنگ شده و بر الگوی جایگزینی از نوع پاسخ‌های غیر کیفری تأکید شده است، به‌نحوی که مقام قضایی بایستی علاوه بر جرم و مجازات، به مجرم و شخصیت، موقعیت مادی، خانوادگی یا اجتماعی توجه خاص نموده و در این راستا به مجازات‌های جایگزین کیفر و علی‌الخصوص پاسخ‌های غیر کیفری بذل و عنایت ویژه داشته باشد. اهمیت این موضوع نیز در بند ۶ ماده ۸۱ قانون تعقیبات جنایی مصوب ۱۹۵۸ فرانسه و مواد ۴۰ الی ۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مدنظر قانونگذار قرار گرفته است. مقاله حاضر تلاشی است که به‌منظور تبیین جایگاه «پاسخ‌های غیر کیفری به‌جای پاسخ‌های کیفری» صورت پذیرفته است. در این مقاله، ضمن معرفی و بررسی مبانی ناظر به پاسخ‌های صدرالاشاره و موجبات و موارد توسل به آن، ثابت می‌شود که پاسخ‌های غیر کیفری در حقیقت ابزاری برای استفاده از اقداماتی است که می‌تواند روند اصلاح مجرمان را سرعت بخشد و در نهایت نتیجه‌گیری می‌گردد که در صورتی این پاسخ‌ها مفید خواهند بود که تدابیر لازم مبنی بر فرهنگ‌سازی مناسب در جامعه و محاکم صورت پذیرد.

مجله پژوهش‌های حقوقی (فصلنامه علمی - ترویجی)، شماره ۳۹، پاییز ۱۳۹۸
صفحه ۱۱۷-۱۴۰، تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۸/۰۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۰۹

* دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی، مدرس دانشگاه، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اردبیل، اردبیل، ایران، نویسنده مسئول
Email: Ramin_law1986@yahoo.com
** دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی، عضو هیئت علمی، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اردبیل، اردبیل، ایران
Email: dr.jahed@iauardabil.ac.ir

کلیدواژه‌ها:

مجازات، پاسخ‌های غیرکیفری، حق بر مجازات نشدن، بازپروری، جایگزین‌های کیفر.

مقدمه

حقوق کیفری اعمالی را که عموماً برای جامعه مضر محسوب می‌شود، تعریف و کیفرهای مباشران آن اعمال را نیز مشخص می‌کند. پس از احراز عملی ارتکاب یک بزه، ضروری است که مباشر آن کشف شود، ادله جمع‌آوری گردد و در پایان یک فرایند که عموماً قضایی است، مجرم به کیفر خود برسد. قاضی برای انتخاب ضمانت‌اجرا، علاوه بر ماهیت و شدت عمل، در مقیاس وسیعی شخصیت بزهکار را نیز موردتوجه قرار می‌دهد. در این خصوص باید به بند ۶ ماده ۸۱ قانون تعقیبات جنایی ۱۹۵۸ فرانسه اشاره کرد. به موجب این بند، بازپرس به شخصه یا از طریق اشخاصی که خود معین می‌کند، پیرامون شخصیت، موقعیت مادی، خانوادگی یا اجتماعی متهمان به تحقیق و بررسی می‌پردازد. همچنین بازپرس می‌تواند معاینه پزشکی، روان‌شناختی یا اتخاذ کلیه تدابیر دیگر را که مفید تشخیص دهد، تجویز یا مقرر دارد. بدین ترتیب، امروزه محاکمه مباشر یک جرم باید افزون بر عمل، شخص را نیز موردتوجه قرار دهد. به‌دیگرسخن، ضمانت‌اجرا باید علاوه بر شخصیت حقوقی بزهکار (چه مجرم بی‌سابقه و چه بزهکار مکرر)، با شخصیت روان‌شناختی و واقعی وی نیز منطبق باشد. از سوی دیگر، باید گفت که ضمانت‌اجراها نسبت به گذشته متنوع شده‌اند: مجازات‌های سلب آزادی و ضمانت‌اجراهای مالی^۱ (جریمه و ضبط) جای تنبیهات بدنی را گرفته‌اند و به کیفرهای قطعی، ضمانت‌اجراهای مشروط مانند تعلیق، تعلیق آزمایشی، آزادی مشروط و نیز ضمانت‌اجراهایی که جنبه اجتماعی آنها قوت بیشتری دارند، از قبیل تعویق مجازات، معافیت از کیفر و جایگزین‌های کیفر حس، به‌ویژه مشتمل بر کارهای عمومی و خدمات عام‌المنفعه، افزوده شده است. نتیجه می‌گیریم که اعمال مجازات و فایده اجتماعی و فردی آن، شایسته توجه خاص است. از زمانی که سلب آزادی محور اساسی ضمانت‌اجرای کیفری شده است، علم اداره زندان‌ها^۲ مورد ملاحظه قرار گرفته است. امروزه، اگرچه سلب آزادی کماکان جایگاه مهمی را در مقررات کیفری نسبت به بزهکاران دارا می‌باشد، اما در عین حال ضمانت‌اجراهای

1. Financial Sanctions.
2. Science Penitentiary.

متعدد دیگری نیز مطرح و پیشنهاد شده‌اند، به‌طوری‌که واژه کیفرشناسی^۳، یعنی علم مجازات‌ها، مناسب‌تر از علم اداره زندان‌ها به‌نظر می‌رسد.^۴ اما به‌نظر برخی از حقوق‌دانان، پاسخ‌شناسی جرم^۵ به‌عنوان دانش علمی - تجربی با توجه به انواع تحولات تاریخی پیرامون واکنش نسبت به جرم و مجرم‌ان در درجه اول آن را موضوعی انسانی تلقی می‌کند. در فرایند پاسخ به جرم، انسان و مجموعه‌ای از نهادهای تحت کنترل او، عاملیت واکنش نسبت به موضوع انسانی دیگر را برعهده گرفته، با استخدام و به‌کارگیری تمام ظرفیت‌های توجیهی - تبیینی، گونه‌های مختلف از پاسخ نسبت به جرم و مجرم را سامان و سازمان می‌بخشد. کیفرشناسی ضمن ارزشیابی و ارزش‌گذاری چگونگی عاملیت موجود انسانی در پاسخ به جرم نسبت به انسان دیگر، به ارزیابی آثار و نتایج پاسخ نیز پرداخته، ضرورت یا عدم‌ضرورت، امکان جایگزینی و ابتکار در طیف‌های مختلف پاسخ‌ها و نیز نقد و بررسی مبانی توجیهی و تبیینی آنها را در دستور کار خود قرار می‌دهد؛ بنابراین، در بخش مبانی نظری کیفرشناسی، ضمن تقسیم نظریه‌های مربوطه به دو دسته مبانی ناظر به توجیه و تبیین مجازات‌ها (سزادهی، بازدارندگی و سلب توان بزهکاری)، به بررسی مبانی ناظر به تبیین و توجیه سایر پاسخ‌های کیفری که به‌جای مجازات و حق بر مجازات شدن، بر حق بر مجازات نشدن تأکید می‌نمایند (بازپروری و عدالت ترمیمی) می‌توان پرداخت. بدین ترتیب صرف‌نظر از ضرورت، مشروعیت یا عدم‌مشروعیت توسل به این حجم از مجازات، تأمل و تحقیق درخصوص چگونگی توسل به پاسخ‌های کم‌هزینه‌تر، کارآمدتر و نیز تلاش برای کاهش هزینه‌های اجرای عدالت کیفری امری ضروری و گریزناپذیر است.^۶ در نتیجه، پاسخ به جرم یا مجازات هستند یا صرفاً پاسخ هستند و مشمول مجازات نمی‌گردند. هدف اصلی دسته اخیر این است که بزهکار را پاسخگو کنند و یا به‌منظور کاهش احتمال تکرار جرم، ارتقای ظرفیت و توانایی بزهکار را ممکن ساخته و یا نهایتاً زمینه‌ساز جبران خسارت بزه‌دیده و آثار و نتایج جرم نسبت به او باشند. پس می‌توان گفت پاسخ‌های رشد‌مدار پاسخ‌هایی هستند که همان‌طور که فرد رشد می‌کند، در کنارش آموزش‌هایی را دریافت می‌کند. فقط فیزیک فرد رشد نمی‌کند، بلکه توانمندی‌های او نیز افزایش و رشد می‌یابد. اگر کسی بزهکار شد، اصل بر این است که

3. Penology.

۴. بولک، کیفرشناسی، ۲۵

5. Crime Responsology.

۶. غلامی، کیفرشناسی (کلیات و مبانی پاسخ‌شناسی جرم)، ۱۱-۱۵.

مجازات نشود، مگر اینکه آخرین نقطه مجازات باشد. پس وقتی مجرم جرمی انجام داد، اصل بر حق بر مجازات نشدن دارد و بایستی به راهکارهای دیگر مراجعه کرد و نسبت به بازپروری و اصلاح مجرمین اقدام نمود.^۷

۱- مبانی ناظر به تبیین پاسخ‌های غیر کیفری

نظر به اینکه موضوع نوشتار حاضر مربوط به پاسخ‌های غیر کیفری است، لذا از بیان مبانی نظری به توجیه و تبیین پاسخ‌های کیفری (مجازات‌ها) نظیر نظریه سزادهی، بازدارندگی و سلب توان بزهکاری اجتناب و صرفاً به بیان نظریه‌های مربوط به پاسخ‌های غیر کیفری مثل نظریه بازپروری و پاسخ‌های ترمیمی به صورت خلاصه اکتفاء و بسنده می‌کنیم و سپس در قسمت بعدی به موجبات و موارد توسل به پاسخ‌های غیر کیفری در قانون مجازات ۱۳۹۲ ایران اشاره می‌کنیم.

۱-۱- حق بر مجازات نشدن

در این قسمت به بررسی مفهوم، مبانی، ماهیت و آثار حق بر مجازات نشدن می‌پردازیم.

۱-۱-۱- تعریف حق بر مجازات نشدن^۸

حق در لغت به معنای صدق، ثابت و حقیقت می‌باشد.^۹ در فرهنگ حقوقی حق عبارت است از قدرتی که از طرف قانون به شخص داده می‌شود و در فقه به جای آن از کلمه سلطه استفاده می‌گردد^{۱۰} و در اصطلاح لاتین نیز به معنای "Right/ Truth" می‌باشد.^{۱۱} بنابراین حق بر مجازات نشدن به این معناست که توسل به حقوق کیفری باید به عنوان آخرین وسیله مورد استفاده قرار گیرد. در توسل به حقوق کیفری نیز توسل به مجازات بایستی به عنوان آخرین وسیله مورد استفاده قرار بگیرد. در خصوص حق بر مجازات نشدن و حق بر مجازات شدن^{۱۲} نویسندگان نظرات مختلفی ارائه نموده‌اند. هربرت موریس با چهار پیش فرض مدافع حق بر مجازات شدن است. او می‌گوید: «اول اینکه ما حق بر مجازات شدن داریم؛ دوم اینکه

۷. غلامی، تقریرات درسی کیفرشناسی، دوره دکترای تخصصی، ۵.

8. Right not to be Punished.

۹. دهخدا، لغت‌نامه، جلد اول، ۱۰۳۴.

۱۰. جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ۲۱۶.

۱۱. مصلحی، فرهنگ حقوقی، ۱۷۸.

12. Right to be Punished.

چنین حقی ناشی از یک حق اساسی دیگر یعنی حق بر مورد رفتار قرار گرفتن به‌عنوان یک شخص است؛ سوم اینکه این حق، یک حق غیرقابل‌انکار است و چهارم اینکه انکار چنین حقی مستلزم نفی تمام حقوق و تکالیف اخلاقی است.^{۱۳} درمقابل، جان دای از حق بر مجازات نشدن حمایت می‌کند. جان دای تأکید می‌کند که حق بر مجازات شدن هیچ‌گونه سودی نداشته و موجب سردرگمی و ابهام است و چون افراد دارای کرامت انسانی هستند، لذا از حق بر مجازات نشدن برخوردارند.^{۱۴} همچنین در دیدگاه داگلاس هوساک، مجازات برای آنکه بتواند قابل‌توجیه باشد، باید به میزان و متناسب مورد استفاده قرار گیرد؛ یعنی اصل بر آن است که حق بر مجازات نشدن، حقی مستقر و مستمر است و تنها در شرایط خاص و با رعایت الزامات و موازین مشخص قابل‌نقض می‌باشد.^{۱۵} به نظر دکتر حسین غلامی، حق بر مجازات نشدن به‌معنای منع و نفی مجازات نیست، بلکه ناظر به ضرورت توسل به مجازات متناسب و عادلانه است.^{۱۶}

۱-۲-۱- مبانی حق بر مجازات نشدن

حق بر مجازات نشدن مبتنی بر انواعی از حقوق بنیادین است که ضرورت رعایت آنها، مستلزم عدم‌مداخله کیفری و به‌ویژه توسل به مجازات خواهد بود. برخی از این حقوق عبارتند از:

۱-۲-۱-۱- حق بر کرامت انسانی

مفهوم کرامت انسانی به‌معنای حالت یا وضعیتی که موجود انسانی را ارزشمند، شریف و محترم تلقی می‌نماید.^{۱۷} مجازات‌ها به‌واسطه ویژگی‌های تحقیرآمیز، مداخله‌کننده و سلب‌کننده یا حذف‌کننده حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی، ازجمله مهم‌ترین نهادهای تهدیدکننده کرامت انسانی به‌شمار می‌روند. توسل بیشتر به کیفر، زمینه‌ساز محکومیت بیشتر شهروندان و تنزل آنها در برخورداری از حقوق و مزایای زندگی اجتماعی است. بر این اساس، حق بر مجازات نشدن، با ابتدای بر کرامت انسانی، اقتضای آن را خواهد داشت که توسل به مجازات نه‌تنها نیازمند توجیه باشد، بلکه علاوه بر آن چرایی عدم‌توسل به سایر پاسخ‌ها به‌جای مجازات نیز باید توجیه گردد.

13. Morris, "Persons and Punishment," 475.

14. Deigh, "On the Right to be Punished," 192.

15. Husak, *Over Criminalization, the Limits of Criminal Law*, 92.

۱۶. غلامی، کیفرشناسی (کلیات و مبانی پاسخ‌شناسی جرم)، ۱۷۹ به بعد.

17. Wikipedia, www.en.wikipedia.org/wiki/dignity (31 July 2016).

۱-۲-۲-۱-۱-۱ حق بر زندگی

حق بر زندگی یا حیات از جمله بنیادی‌ترین حقوق بشری است.^{۱۸} اصل اخلاقی حق بر زندگی مستلزم احترام به حیات تمام موجودات به‌ویژه انسان‌ها می‌باشد. رعایت مطلق این اصل مستلزم عدم‌توسل به مجازات مرگ و یا حداقل توسل به آن در گریزناپذیرترین موارد است. رعایت تمام‌عیار حق بر زندگی مستلزم حذف کامل مجازات مرگ و یا حداکثر توجه برای کاهش توسل به مجازات مرگ و محدود کردن آن به مجازاتی برای شدیدترین جرایم است که این موضوع در ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد تأکید قرار گرفته است.^{۱۹}

۱-۲-۳-۱-۱-۱ حق بر آزادی

وفق تقسیم‌بندی آیزایا برلین، آزادی به دو نوع منفی^{۲۰} و مثبت^{۲۱} تقسیم می‌گردد و مجازات از نوع آزادی‌های منفی شهروندان به‌شمار می‌رود. مراد از آزادی مثبت، برخورداری از امکانات در قلمرو زیست فردی و اجتماعی است.^{۲۲} حق بر مجازات نشدن نه تنها مبتنی بر چنین فهمی از آزادی است، بلکه در عین حال موجب تحدید قلمرو مداخله حکومت در حوزه آزادی‌های منفی نیز می‌شود. به عبارت دیگر، با توجه به چنین فهمی از آزادی و به‌ویژه مفهوم منفی آن است که مداخله جرم‌انگاران و کیفرگذارانه حکومت، به شدت نفی و سلب آن دسته از حقوق و آزادی‌هایی تلقی می‌شود که تا پیش از چنان مداخله‌ای جزء قلمروهای مشروع زیست شهروندان تلقی می‌شدند.

۱-۲-۴-۱-۱-۱ حق بر امنیت

امنیت فارغ بودن از خطر و احساس آسایش و آرامش می‌باشد.^{۲۳} حق بر امنیت، از آن جهت به‌عنوان یکی از مبانی حق بر مجازات نشدن تلقی می‌شود که مداخله کیفری محدود و متناسب، نه تنها تضمین امنیت و آسایش شهروندان قانونمند را در پی خواهد داشت، بلکه از سوی دیگر از نظامی کردن قلمرو زیست اجتماعی شهروندان خودداری خواهد نمود.

۱۸. همان، ۱۸۱.

19. Durisch, *The Death Penalty and the Most Serious Crimes*, 102.

20. Negative Liberty.

21. Positive Liberty.

22. Isaiah Berlin, *Two Concepts of Liberty*.23. "Security," *The Free Dictionary* by Farlex, August 17, 2016, www.thefreedictionary.com/security.

۱-۱-۲-۵- حق بر رفتار کرامت‌مدار^{۲۴}

این حق بدین‌معناست که حیثیت و کرامت انسانی قابل‌احترام بوده و نبایستی به‌راحتی خدشه‌دار گردد. توسل به مجازات‌های تحقیرکننده و توهین‌آمیز مثل مجازات در ملأعام موجب سلب حیثیت انسانی می‌گردد؛ بنابراین حکومت نباید نسبت به بزهکاران طوری رفتار نماید که علاوه‌بر اعمال مجازات، حیثیت انسانی آنها را مخدوش کند. بدین‌ترتیب حق بر مجازات نشدن، یکی از فیلترهای تنظیم‌کننده نقش تحقیرکننده انگ‌زننده مجازات‌ها خواهد بود؛ بنابراین با بررسی حق بر رفتار کرامت‌مدار می‌توان نتیجه گرفت که مجازات به‌عنوان عامل دارای تنزل‌دهنده کرامت، حیثیت و احترام انسانی بزهکار، پاسخی استثنائی و خاص است که بایستی صرفاً در موارد محدودی به آن متوسل نمود.

۱-۱-۳- ماهیت حق بر مجازات نشدن

اولین ویژگی ماهوی آن است که ازجمله حقوق انسانی یا بشری می‌باشد. ویژگی دوم آن است که حقی مطلق و غیرقابل‌نقض^{۲۵} نیست. سومین ویژگی این است که حقی مستمر است.^{۲۶}

۱-۱-۴- آثار حق بر مجازات نشدن

نتایج حق بر مجازات نشدن بدین‌ترتیب می‌باشد: اول اینکه تمام فرایندها و انواع پاسخ‌های غیرکیفری مقدم بر توسل به فرایندها و پاسخ‌های کیفری می‌باشند؛ دومین نتیجه ضرورت توسل به انواع پاسخ‌های غیرکیفری ازجمله پاسخ‌های بازپرورانه و ترمیمی می‌باشد؛ سومین نتیجه اینکه درصورت نیاز به مجازات، بایستی تناسب و اصل حداقل بودن مجازات^{۲۷} رعایت گردد؛^{۲۸} چهارمین نتیجه همانا تکلیف به مجازات نکردن است.^{۲۹} در میان این نتایج، نتیجه سوم موردحمایت اکثر حقوق‌دانان واقع شده است.^{۳۰}

24. The Right to Respectful Treatment.

25. Absolute Rights.

۲۶. همان، ۱۸۶-۱۸۵.

27. The Principle of Punishment as Last and Resort.

۲۸. رستمی، «جرم‌انگاری و کیفرگذاری در پرتو اصول محدودکننده آزادی در نظریه لیبرال»، ۷۸.

۲۹. غلامی، کیفرشناسی (کلیات و مبانی پاسخ‌شناسی جرم)، ۱۸۸-۱۸۶.

۳۰. بکاریا، رساله جرایم و مجازات‌ها، ۱۳۸.

۱-۲- بازپروری مجرمین (بزهکاران)

بازپروری بزهکاران با هدف دوباره اجتماعی کردن بزهکاران و برگرداندن آنها به زندگی اجتماعی می‌باشد.

۱-۲-۱- تعریف و مفهوم بازپروری بزهکاران

اصطلاح Rehabilitation به معنای بازتوانی^{۳۱} یا دوباره میزان کردن^{۳۲} است که از اصطلاح لاتین Rehabilitare گرفته شده است.^{۳۳} در ادبیات کیفرشناختی، اصطلاح بازپروری ناظر به آماده کردن بزهکاران جهت حضور مجدد در جامعه به عنوان شهروندانی قانونمند و مولد است.^{۳۴}

۱-۲-۲- ابعاد برنامه‌های بازپروری بزهکاران

برنامه‌های بازپروری شامل طیف وسیعی از اقدامات، من جمله برنامه‌های آموزش علمی و فنی و حرفه‌ای، برنامه‌های درمانی و برنامه‌های ایمن‌محور می‌باشد. در برنامه‌های آموزش علمی اعتقاد بر این است که جهل، نادانی و فقدان آموزش دلیل عمده ارتکاب جرم را تشکیل می‌دهد.^{۳۵} در برنامه‌های درمانی از دو روش اجتماع‌درمانی^{۳۶} و درمان رفتارشناختی^{۳۷} استفاده می‌گردد. اولی ناظر به محیط و دومی ناظر به رفتار افراد می‌باشد. در برنامه‌های ایمن‌محور نیز به آموزش‌های مذهبی تأکید می‌گردد.

۱-۳- اصطلاح عدالت ترمیمی^{۳۸} (از مدل‌های جدید اجرای عدالت)

عنوان «عدالت ترمیمی» در حال حاضر موضوع روز مباحث ناظر به مدل‌های جدید اجرای عدالت است. در عین حال برخی نویسندگان به دلایلی چند ترجیح می‌دهند به جای عدالت ترمیمی از اصطلاح «عدالت جامعه محلی»^{۳۹} یاد کنند.^{۴۰}

31. Re-enabling.

32. again Making Fit.

33. Craig, *What Works in Offender Rehabilitation*, 4.

۳۴. غلامی، کیفرشناسی (کلیات و مبانی پاسخ‌شناسی جرم)، ۱۹۰.

۳۵. غلامی، تکرار جرم، بررسی حقوقی - جرم‌شناختی، ۲۵۴.

36. Therapeutic Communities.

37. Cognitive Behavioral Programs.

38. Restorative Justice.

39. Community Justice.

۴۰. جمعی از نویسندگان، علوم جنایی (مجموعه مقالات)، به نقل از حسین غلامی، ۷۱۴.

۱-۳-۱- تعریف عدالت ترمیمی

«عدالت ترمیمی فرایندی است که در آن کلیه کسانی که در رابطه با جرم خاص (حق یا نفع یا) سهمی دارند، گرد هم می‌آیند تا به‌طور جمعی در رابطه با چگونگی برخورد با آثار و نتایج جرم و مشکلات ناشی از آن برای آینده تصمیم گرفته، راه‌حلی بیابند.»^{۴۱}

۱-۳-۲- اصول عدالت ترمیمی

برخی از اصول عدالت ترمیمی عبارتند از: الف) اولویت حمایت از بزه‌دیده و التیام و بهبودی او؛ ب) مسئولیت‌پذیری بزهکار در مقابل عمل ارتكابی؛ ج) گفتگو برای تفاهم؛ د) تلاش برای تصحیح امور؛ ه) پیشگیری از بزهکاری مکرر؛ خ) مساعدت جامعه محلی به بزه‌دیده و بزهکار جهت بازگشت به جامعه و ادغام در آن.^{۴۲}

۱-۳-۳- ارزش‌های عدالت ترمیمی

مهم‌ترین ارزش‌های عدالت ترمیمی شامل: الف) شمول و دربرگیری (جامعیت)^{۴۳} تمام اشخاص متأثر از جرم؛ ب) مواجهه و رودررویی^{۴۴} طرف‌های متأثر از جرم؛ ج) ترمیم؛^{۴۵} د) بازپذیری و ادغام^{۴۶} طرفین اختلاف در اجتماع.^{۴۷}

به‌طور کلی و خلاصه اگر بخواهیم عدالت ترمیمی را در یک کلمه خلاصه نماییم، کلمه «احترام» را می‌توانیم انتخاب کنیم. احترام برای همه، حتی کسانی که از ما متفاوتند. حتی کسانی که به‌نظر می‌رسد، دشمن ما هستند. پس اگر ما به دیگران احترام نگذاریم، عدالت را نیز به‌طریق ترمیمی اجرا نخواهیم کرد.^{۴۸}

۱-۳-۴- برنامه‌های ترمیمی بزهکاران

برنامه‌ها یا رویه‌های ترمیمی، الگوها یا مدل‌های اجرایی آموزه‌ها، ارزش‌ها و اصول عدالت ترمیمی‌اند، آنچه که به‌عنوان شورای حل اختلاف از آن یاد می‌شود، دارای برخی ویژگی‌های یک برنامه ترمیمی است. میانجیگری، نشست‌های گروهی، حلقه‌ها یا محافل از جمله

41. Marshall, *Restorative Justice*, 89.

۴۲. غلامی، کیفرشناسی (پاسخ‌شناسی جرم)، ۲۳۲.

43. Inclusion.

44. Encounter.

45. Amend.

46. Reintegration.

۴۷. غلامی، کیفرشناسی (پاسخ‌شناسی جرم)، ۲۳۸.

۴۸. زهر، کتاب کوچک عدالت ترمیمی، ترجمه دکتر حسین غلامی، ۷۲.

شایع‌ترین برنامه‌های ترمیمی به‌شمار می‌روند. اکنون برنامه‌های ترمیمی در بسیاری از کشورها به مورد اجرا گذاشته می‌شود. در انگلستان رویکرد ترمیمی در چهار قلمرو عدالت کیفری بزرگسالان، جوانان، مدارس و حل‌وفصل اختلافات همسایگان مورد استفاده قرار می‌گیرد.^{۴۹} در کانادا، استرالیا، نیوزیلند و بسیاری دیگر از کشورها برنامه‌های ترمیمی به مورد اجرا گذارده می‌شود.^{۵۰} در ایران صرف‌نظر از زمینه‌های قانونی، قضایی، اجرایی و اجتماعی توسل به برنامه‌های ترمیمی و یا شبه‌ترمیمی، در ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ امکان اجرای برنامه میانجیگری میان بزه‌دیده و بزه‌کار در مرحله تعقیب قضایی در دادسرا پیش‌بینی شده است که باتوجه به تصویب آیین‌نامه اجرایی آن در تاریخ ۱۳۹۴/۰۹/۰۸، سازکار استفاده از این برنامه ترمیمی فراهم شده است.^{۵۱}

۲- موجبات و موارد توسل به پاسخ‌های غیرکیفری در قانون مجازات

اسلامی ۱۳۹۲

اگرچه کیفر شایع‌ترین پاسخ به جرم است، اما علاوه بر آن می‌توان از سایر انواع پاسخ به جرم نیز یاد کرد که ضرورتاً دارای ویژگی‌های مجازات یا کیفر نیستند. پاسخ‌های کیفری در معنای عام هم شامل مجازات‌ها و هم شامل سایر انواع پاسخ‌ها به جرم می‌شوند. در واقع وجه مشترک کیفر و سایر انواع پاسخ به جرم، این است که هر دو در مقام واکنش نسبت به جرایم و مجرمان مورد استفاده قرار می‌گیرند. لیکن صرف‌نظر از این وجه اشتراک، تفاوت‌های عمده‌ای میان پاسخ‌های کیفری و مجازات‌ها (کیفرها) وجود دارد. در معنای خاص، منظور از پاسخ‌های کیفری، پاسخ‌هایی است که بدون ماهیت رنج‌آور، محروم‌کننده و صدمه‌زننده نسبت به جرایم و مجرمان ارائه می‌شوند. پاسخ‌های کیفری در معنای خاص، مشتمل بر مجموعه‌ای از تدابیر و اقدامات هستند که گاه به‌منظور جایگزینی کیفر و کاهش آثار زیان‌بار آن و گاه تحت تأثیر اصول بنیادین حقوق کیفری مانند اصل حداقل بودن حقوق جزا و در نتیجه ضرورت توسل حداقلی به مجازات، خواه توسط دستگاه عدالت کیفری یا با مشارکت بزه‌کار و یا جامعه مورد توسل قرار می‌گیرند. در اینجا مراد از پاسخ‌های کیفری، پاسخ‌هایی است که دارای وصف و ماهیت مجازات یا کیفر نیستند؛ بنابراین در رویکردی کیفرشناختی، پاسخ‌های

49. Sherman, *Restorative Justice: The Evidence*, 37.

۵۰. غلامی، عدالت ترمیمی، ۲۴۵.

۵۱. غلامی، کیفرشناسی (پاسخ‌شناسی جرم)، ۲۴۸.

کیفری، پاسخ‌هایی است که هدف منحصر به فرد آنها پیشگیری از جرم یا انحراف می‌باشد. بدین ترتیب می‌توان گفت، حبس، جزای نقدی، شلاق، قطع عضو، قصاص نفس و اعدام، بدون تردید از جمله مصادیق مجازات محسوب می‌شوند. لیکن تصمیماتی از قبیل «تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان، معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روان‌شناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنها، فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به‌منظور تحصیل یا حرفه‌آموزی، اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک، جلوگیری از معاشرت و ارتباط طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه، جلوگیری از رفت‌وآمد طفل یا نوجوان به محل‌های معین و تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه، مصلحت طفل یا نوجوان بدانند»، انواعی از پاسخ‌های کیفری فاقد وصف مجازات می‌باشند. به‌همین ترتیب می‌توان از نهادها و پاسخ‌هایی مانند آزادی مشروط، تعلیق مراقبتی، معافیت از کیفر، تعویق صدور حکم، نظام نیمه‌آزادی، دوره مراقبت و خدمات عمومی رایگان به‌عنوان نهادها و پاسخ‌های فاقد وصف مجازات یاد کرد که البته نسبت به جرایم و مجرمان مورد استفاده قرار می‌گیرند.^{۵۲}

۲-۱- اقدامات تأمینی و تربیتی بزهکاران

اقدامات تأمینی عبارت است از تدابیری که برای مقابله با حالت خطرناک بزهکار به‌موجب دادگاه اتخاذ می‌شود. حالت خطرناک نیز حالتی است که به‌دلیل اقتران عوامل جرم‌زا اعم از فردی و اجتماعی نوعی حالت آمادگی برای ارتکاب جرم در بزهکار پدید می‌آورد.^{۵۳}

۲-۱-۱- اقدامات حمایتی

بعضی از بزهکاران همان‌قدر که نیاز به تربیت دارند، به حمایت‌های انسانی و اخلاقی نیز نیازمندند. حمایت‌های مذکور بیش از هر جا در محیط خانواده که پیوندهای عاطفی همچنان استحکام دارد، مقدور است. از این رو «تسلیم اطفال یا نوجوان به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان» (بند الف

۵۲. غلامی، کیفرشناسی (پاسخ‌شناسی جرم)، ۴۵-۴۲.

۵۳. اردبیلی، حقوق جزای عمومی، ۱۰۸.

ماده ۸۸ ق.م.ا یکی از اقدامات حمایتی مؤثر به‌شمار می‌رود که در نظام کیفری ایران منحصر است.^{۵۴}

۲-۱-۲- اقدامات تربیتی

یکی از اقدامات تربیتی رایج، نگاهداری اطفال بزهکار در کانون اصلاح و تربیت^{۵۵} است. اقدام مذکور شامل آموزش و پرورش طفل در محیط مذکور و گاه در محیط باز یعنی خارج از کانون توأم با نظارت است. یکی دیگر از اقدامات تربیتی: «فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به‌منظور تحصیل یا حرفه‌آموزی» است. الزام به تحصیل (بند ۳ ماده ۲۳ ق.م.ا) که در تکمیل مجازات اصلی مورد حکم قرار می‌گیرد نیز اقدامی تربیتی محسوب می‌شود که درباره مجرمان بزرگسال اتخاذ می‌گردد. همچنین پاره‌ای از دستورهای دادگاه مانند حرفه‌آموزی (بند الف ماده ۴۳ ق.م.ا) و یا گذراندن دوره یا دوره‌های خاص آموزشی و یادگیری مهارت‌های اساسی زندگی یا شرکت در دوره‌های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی (بند ج ماده ۴۳ ق.م.ا) در ضمن تعویق صدور حکم و یا تعلیق اجرای مجازات یا اعطای آزادی مشروط در زمره اقدامات تربیتی به‌شمار می‌رود.^{۵۶}

۲-۱-۳- اقدامات درمانی

تجربه نشان می‌دهد که ارتکاب جرم در بین گروهی از بزهکاران، ناشی از بیماری‌ها و ابتلا به عادت‌هایی است که درمان یا ترک آن پیش از هر اقدامی اولویت دارد. از این‌رو، نگهداری و درمان دیوانگان تا رفع حالت خطرناک در محل مناسب یا مراکز روان‌درمانی بهزیستی (تبصره ۲ ماده ۱۵۰ ق.م.ا) و یا نگاهداری بزهکاران معتاد به مواد مخدر در اردوگاه‌های بازپروری معتادین (تبصره ۳ ماده ۱۵ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر اصلاحی مرداد ۱۳۸۹) و گاه در ضمن اجرای مجازات حاکی از برتری اقدامات مذکور نسبت به مجازات‌هاست. از جمله دیگر اقدامات درمانی، دستور دادگاه مبنی بر مراجعه محکوم‌علیه به بیمارستان یا درمانگاه برای درمان بیماری یا ترک اعتیاد خود در مدت تعویق صدور حکم (بند

۵۴. همان، ۱۱۱.

55. Jevvenile Institution/ Correctional Institution.

۵۶. همان، ۱۱۲.

پ ماده ۴۳ ق.م.ا) و یا در ضمن تعلیق اجرای محکومیت (ماده ۴۸ ق.م.ا) و یا در مدت آزادی مشروط محکوم‌علیه^{۵۷} است (ماده ۶۰ ق.م.ا).

۲-۱-۴- اقدامات مراقبتی

گاه قانونگذار حسن اجرای اقدام تأمینی را در گرو مراقبت از بزهکار ممکن می‌داند. از این رو، بزهکار را به‌انحاء گوناگون موظف می‌سازد به این مراقبت تن در دهد. برای مثال، محکومان به تبعید که به محل تبعید می‌روند باید ورود خود را به مقام‌های انتظامی محل اقامت اطلاع دهند. استفاده از سامانه‌های الکترونیکی یکی از شیوه‌هایی است که به مقامات اجرایی اجازه می‌دهد محکوم‌علیه را در محدوده‌های مکانی مشخصی تحت نظارت قرار دهند. این شیوه مراقبتی را قانونگذار درباره محکومان به حبس (در جرایم تعزیری از درجه پنج تا هشت) هنگامی که در آزادی مشروط به سر می‌برند، پذیرفته است.^{۵۸}

۲-۱-۵- اقدامات بازدارنده

ضبط^{۵۹} بعضی اشیاء خطرناک^{۶۰} و یا معدوم نمودن بعضی مواد زیان‌بار در این طبقه از اقدامات تأمینی قرار می‌گیرد. پاره‌ای از ممنوعیت‌ها مانند خودداری از ارتباط و معاشرت با اشخاصی که دادگاه معاشرت با آنها را برای محکوم‌علیه مضر تشخیص می‌دهد (بند چ ماده ۴۳ ق.م.ا) و یا خودداری از اقامت در مکان معین (بند ب ماده مذکور) و نیز خودداری از فعالیت حرفه‌ای مرتبط با جرم ارتكابی (بند ج ماده مذکور) و یا به‌طور کلی منع اقامت در نقطه یا نقاط معین با این هدف در قوانین کیفری آمده است که دادگاه بتواند حالت خطرناک یا وضعی که بزهکار را در معرض جرم دیگری در آینده قرار می‌دهد، خنثی کند.^{۶۱}

۲-۲- جایگزین‌های حبس

مفهوم حبس با هر شکل و عنوانی که اجرا شده یا نامیده شود، عبارت از سلب آزادی است. زندانی کردن فرد در ظاهر و نگاه اول و حتی از لحاظ ماهیت، نوعی کیفر است؛ زیرا این عمل نه‌تنها برخلاف میل و اراده فرد است و یکی از ویژگی‌های کیفر و سزا محسوب می‌شود، بلکه

57. Losing Party.

۵۸. همان، ۱۱۳.

59. Confiscation/ Retention.

60. Dangerous Cargo.

۶۱. همان، ۱۱۴.

زندانی شدن، برای فرد تنگناهایی ایجاد و بر او تحمیل می‌کند که در حالت عادی، پسندیده نیست و نه کسی دوست دارد که موضوع آن قرار گیرد؛ بنابراین بایستی به‌طور محدودی از کیفر حبس استفاده کرد و به‌جای آن از جایگزین‌های حبس استفاده نمود.^{۶۲} اگر از شیوه‌های جایگزین حبس استفاده نگردد، مسئله ازدحام در زندان‌ها^{۶۳} پیش خواهد آمد. ازدحام در زندان‌ها گاه نتیجه افزایش کُند، همیشگی و بلندمدت تعداد زندانیان است که به وضعیتی موسوم به «ازدحام مزمن»^{۶۴} در زندان‌ها تبدیل می‌شود. همچنین این معضل گاه نتیجه رشد سریع جمعیت زندان‌هاست.^{۶۵} بدین ترتیب آنچه که در مورد مجازات‌های جایگزین حبس مطرح می‌شود، همیشه به‌معنای حذف این مجازات نیست، بلکه گاهی رویکردی تکاملی به همان مجازات است، به‌بیان‌دیگر راه‌حل چالش‌های فرار از مجازات حبس در سه محور است: الف) حذف مجازات حبس و تبدیل آن به مجازات دیگر؛ ب) تغییر در شرایط اجرای حبس؛ ج) تحوّل در شیوه‌های اجرای حبس که از مجموعه این راه‌حل‌ها با نام جایگزین‌های حبس یاد می‌شود.^{۶۶}

۲-۲-۱- دوره مراقبت^{۶۷}

دوره مراقبت دوره‌ای است که طی آن محکوم به حکم دادگاه و تحت نظارت قاضی اجرای احکام به انجام یک یا چند مورد از دستورات مندرج در تعویق مراقبتی به شرح ذیل محکوم می‌گردد:

- الف - در جرایمی که مجازات قانونی آنها حداکثر سه ماه حبس است تا شش ماه؛
- ب - در جرایمی که مجازات قانونی آنها ۹۱ روز تا شش ماه حبس است و جرایمی که نوع و میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده است، شش ماه تا یک سال؛
- ج - در جرایمی که مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه تا یک سال است، یک سال تا دو سال؛
- د - جرایم غیرعمدی که مجازات قانونی آنها بیش از یک سال است، دو تا چهار سال.

۶۲ صفاری، کیفرشناسی، ۱۲۵.

63. Prison Overcrowding.

64. Chronic Overcrowding.

۶۵ آلبرشت، ازدحام در زندان‌ها، ۱۲.

۶۶ نیکبخت، کیفرشناسی، ۶۷.

67. Attention Period.

۲-۲-۲- خدمات عمومی رایگان

خدمات عمومی رایگان خدماتی است که با رضایت محکوم برای مدتی معین به‌شرح ذیل موردحکم واقع می‌شود و تحت نظارت قاضی اجرای احکام اجرا می‌شود:

الف - در جرایمی که مجازات قانونی آنها حداکثر سه ماه حبس است تا ۲۷۰ ساعت؛

ب - در جرایمی که مجازات قانونی آنها ۹۱ روز تا شش ماه حبس است و جرایمی که نوع و میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده است ۲۷۰ تا ۵۴۰ ساعت؛

ج - جرایمی که مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه تا یک سال است ۵۴۰ تا ۱۰۸۰ ساعت؛

د - جرایم غیرعمدی که مجازات قانونی آنها بیش از یک سال است ۱۰۸۰ تا ۲۱۶۰ ساعت.

۲-۲-۳- جزای نقدی روزانه

جزای نقدی روزانه عبارت است از یک‌هشتم تا یک‌چهارم درآمد روزانه محکوم که به شرح ماده ۸۵ ق.م.ا. موردحکم واقع می‌شود و با نظارت اجرای احکام وصول می‌شود.^{۶۸} جزای نقدی روزانه جلوه بارز اندیشه فردی کردن مجازات‌هاست.^{۶۹}

۲-۲-۴- جزای نقدی

در میان مجازات‌های جایگزین، جزای نقدی یکی از نخستین انواع مجازات‌های جایگزین حبس محسوب می‌شود. مهم‌ترین عیب جزای نقدی دشواری وصول آن است که چون نوبت به تهی‌دستان می‌رسد، به‌دلیل عجز از پرداخت آن، به گفته سزار بکاریا، مجازات را در اجرا از وصف حتمیت و قطعیت تهی می‌سازد. با این همه، جزای نقدی جایگزین حبس را قانونگذار در ماده ۸۶ ق.م.ا. بیان نموده است.^{۷۱}

۶۸. ساولانی، حقوق جزای عمومی، ۳۰۵-۳۰۳.

۶۹. اردبیلی، پیشین، ۱۶۴.

۷۰. ماده ۸۶ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «میزان جزای نقدی جایگزین حبس به شرح ذیل است: الف - حداکثر سه ماه حبس تا نه میلیون ریال؛ ب - ۹۱ روز تا شش ماه حبس از نه میلیون ریال تا هیجده میلیون ریال. همچنین در جرایمی که نوع و میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده است؛ پ - بیش از شش ماه تا یک سال حبس از هیجده میلیون ریال تا ۳۶ میلیون ریال؛ ت - بیش از یک سال حبس (در جرایم غیرعمدی) از ۳۶ میلیون ریال تا ۷۲ میلیون ریال.»

۷۱. اردبیلی، پیشین، ۱۶۵.

۲-۲-۵- محرومیت از حقوق اجتماعی

ظاهراً حقوق اجتماعی مندرج در ماده ۶۴ ق.م.ا. همانی است که محرومیت از آن به‌عنوان مجازات‌های تبعی در ماده ۲۶ احصاء شده است. نکته دیگر اینکه، قانوناً حبس‌های تا دو سال و از جمله حبس‌هایی که می‌توان با مجازات‌های دیگر جایگزین کرد، فاقد آثار تبعی است. به عبارت دیگر، محکومیت به حبس‌های مذکور محکومیت مؤثر که محکوم‌علیه را به تبع اجرای حکم از حقوق اجتماعی محروم کند، تلقی نمی‌شود. حال پیرامون این جایگزین حبس چند پرسش مطرح است. نخست، قانون مجازات اسلامی درباره مدت زمان این محرومیت‌ها ساکت است. ولی این مدت اصولاً نباید از مدت حبس‌های جایگزین‌شونده بیشتر باشد؛ دوم، آیا این محرومیت شامل همه حقوق اجتماعی موضوع ماده ۲۶ می‌شود یا دادگاه در تعیین بعضی از این حقوق اختیار دارد؟؛ سوم، آیا کسی که تا پیش از صدور حکم از یک یا چند حق اجتماعی متمتع بوده، مثلاً به حرفه وکالت اشتغال داشته و ضمناً نماینده مجلس شورای اسلامی بوده است، با صدور حکم محکومیت از اعمال این حقوق منع می‌شود؟ چون محرومیت از حقوق اجتماعی درباره کسی مصداق پیدا می‌کند که هنوز به این حقوق دست نیافته است.^{۷۲}

۲-۲-۶- اقامت در منزل

اقامت در منزل که گاه به بازداشت یا حبس خانگی از آن یاد می‌کنند، ضمانت‌اجرای بینابینی است توأم با نظارت، ولی نظارتی بیش از تعلیق مراقبتی و کمتر از حبس. اقامت در منزل را قانون مجازات اسلامی هم به‌عنوان جایگزین نگهداری (حبس) و هم جزای نقدی تعیین نموده و تصمیم درباره طول مدت آن را باتوجه به وضع متهم و جرم ارتكابی از سه ماه تا پنج سال در اختیار دادگاه نهاده است (تبصره ۲ ماده ۸۹).^{۷۳}

۲-۲-۷- نگهداری در پایان هفته

در این شیوه از نگهداری (بازداشت)، محکوم‌علیه موظف است در روزهای پایانی هر هفته برای گذراندن مجازات، خود را به مقامات کانون اصلاح و تربیت معرفی کند. دو روز آخر هفته (پنجشنبه و جمعه)، روزهایی که قانونگذار تعیین کرده (تبصره ۲ ماده ۸۹)، با این فرض

۷۲. همان، ۱۶۶.

۷۳. همان، ۱۶۷.

در قانون آمده است که نوجوان بزهکار در روزهای دیگر هفته به کار و یا تحصیل اشتغال دارد؛ بنابراین، نوجوان بیکار و بی‌سرپناه باید به همان مجازات‌های سنتی (حبس در تمام روزهای هفته و یا جزای نقدی) تن دهد، مگر آنکه مجازات قانونی جرم ارتكابی تعزیر درجه پنج باشد که در این صورت دادگاه می‌تواند او را به انجام خدمات عمومی رایگان محکوم کند.^{۷۴}

۲-۳- آزادی مشروط^{۷۵}

اعطای آزادی محکومان زندانی قبل از مدت مقرر توسط دادگاه صادرکننده حکم قطعی پاسخی است به یکی از اهداف مجازات که اصلاح بزهکار و آماده ساختن وی برای برگشت به زندگی اجتماعی است؛ بنابراین، وقتی قرائن حاکی از آمادگی محکوم‌علیه زندانی برای بازگشت به جامعه و ادامه یک زندگی شرافتمندانه است، باید موجبات این انطباق اجتماعی را فراهم ساخت تا از محیط جرم‌زای زندان و تماس با بزهکاران حرفه‌ای در امان و مصون بماند. اعطای آزادی مشروط، از طرف دادگاه قانوناً، ارفاق تلقی می‌شود و لذا ردّ تقاضا قابل شکایت نیست. آزادی مشروط، شامل کلیه زندانیان اعم از زن و مرد و با هر سن و سالی در صورت وجود شرایطی می‌شود.^{۷۶} شرایط آزادی مشروط نیز در ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی بدین شرح است که دادگاه صادرکننده حکم می‌تواند در مورد محکومان به حبس تعزیری بیش از ده سال پس از تحمل نصف و در سایر موارد پس از تحمل یک‌سوم مدت مجازات به پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام با رعایت شرایطی از جمله حسن اخلاق و رفتار محکوم، استطاعت در جبران ضرر و زیان، عدم استفاده از آزادی مشروط و فقدان حالات تکرار جرم پس از آزادی، حکم به آزادی مشروط را صادر کند.

۲-۴- نظام نیمه‌آزادی

از میان سیستم‌های مختلف اجرای کیفر حبس، می‌توان به نظام نیمه‌آزادی توجه داشت. در این نظام، محکوم‌علیه ممکن است فعالیت‌های حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی و کار در مزرعه و یا ساختمان‌سازی را در بیرون از زندان و زیر نظر تشکیلات زندان در برابر دریافت بخشی از دستمزد انجام دهد.^{۷۷} در حبس‌های تعزیری درجه ۵ تا ۷ دادگاه صادرکننده حکم

۷۴ همان، ۱۶۸.

75. Conditional Release.

۷۶. گلدوزیان، *بایسته‌های حقوق جزای عمومی* (۳-۲-۱)، ۳۶۷.

۷۷. گلدوزیان، *محتسای قانون مجازات اسلامی*، ۱۱۱.

قطعی می‌تواند مشروط به گذشت شاکی و سپردن تأمین مناسب و تعهد به انجام یک فعالیت شغلی، حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی یا درمان اعتیاد یا بیماری که در فرایند اصلاح یا جبران خسارت وارده بر بزه‌دیده مؤثر است، محکوم را با رضایت خود او، تحت نظام نیمه‌آزادی قرار دهد. همچنین، محکوم می‌تواند در طول دوره تحمل مجازات در صورت دارا بودن شرایط قانونی، صدور حکم نیمه‌آزادی را تقاضا نماید و دادگاه موظف به رسیدگی است (ماده ۵۷ ق.م.ا).

۲-۵- تعلیق اجرای مجازات^{۷۸}

باتوجه به اینکه یکی از اهداف مهم مجازات‌ها که اصلاح مجرم و پذیرش مجدد او در جامعه است، متفکران در مسائل حقوقی به این نتیجه رسیده‌اند که در برخی از موارد و نسبت به بعضی از بزه‌کاران بهتر آن است که اجرای مجازات با شرایطی معلق گردد و برای ایجاد این بنیاد حقوقی، دلایل زیر را در جهت استدلال به نفع این تأسیس حقوقی ارائه می‌دهند. اولاً، تعلیق کیفر به نفع مرتکب جرم است؛ ثانیاً، تعلیق کیفر به نفع جامعه نیز هست.^{۷۹} در حقیقت اجتناب از زندان انگیزه اصلی سیاست جایگزینی از طریق تعلیق اجرای مجازات حبس است.^{۸۰} بدین ترتیب آنچه که بیش از هر عامل اجتماعی دیگری زمینه را برای گسترش اندیشه تعلیق فراهم ساخت، محیط ناسالم زندان‌ها و دور نگه داشتن زندانیان و به‌خصوص محکومان بدوی از آثار سوء معاشرت با بزه‌کاران سابقه‌دار بود.^{۸۱} در واقع تعلیق وسیله و ابزاری است برای ارفاق و مساعدت نسبت به همه محکومان اصلاح‌پذیر و فاقد محکومیت مؤثر که در جهت رعایت اصل فردی کردن مجازات‌ها^{۸۲} و اعمال آن به دادگاه محول شده است.^{۸۳} در نهایت تعلیق علی‌الخصوص تعلیق مراقبتی یکی از مهم‌ترین نهادهای جانشین مجازات زندان است که هدف اصلی آن کاستن از تعداد جرایم و شمار زندانیان است.^{۸۴}

78. Suspension of Punishment.

۷۹. نوریها، زمینه حقوق جزای عمومی، ۴۱۷.

۸۰. نجفی ابرنآبادی، «تلاش‌های بین‌المللی و قانونگذاری ایران برای تمدید موارد اعمال مجازات سالب آزادی»، ۳.

۸۱. صانعی، حقوق جزای عمومی، ۸۰۱.

82. Individualization of Punishment.

۸۳. ولیدی، «نقش تعدیل‌کننده تعلیق مراقبتی به‌عنوان کیفر جایگزین زندان»، ۷.

۸۴. والهی، احسان‌پور، «جایگاه جایگزین‌های مجازات حبس با رویکرد فردی کردن آنها در نظام عدالت کیفری ایران»، ۲۶۰.

در ماده ۴۶ ق.م.ا. بیان داشته که در جرایم تعزیری^{۸۵} درجه ۳ تا ۸ دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق نماید. همچنین وفق ماده ۴۷ همان قانون، صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرایم زیر و شروع به آنها قابل تعویق و تعلیق نیست: الف - جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، خرابکاری در تأسیسات آب، برق، گاز، نفت و مخابرات؛ ب - جرایم سازمان‌یافته، سرقت مسلحانه^{۸۶} یا مقرون به آزار، آدم‌ربایی^{۸۷} و اسیدپاشی؛ پ - قدرت‌نمایی و ایجاد مزاحمت با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر، جرایم علیه عفت عمومی^{۸۸}، تشکیل یا اداره مراکز فساد و فحشا؛ ت) قاچاق عمده موادمخدر^{۸۹} یا روان‌گردان، مشروبات الکلی^{۹۰} و سلاح و مهمات و قاچاق انسان^{۹۱}؛ ث) تعزیر بدل از قصاص نفس، معاونت در قتل عمدی^{۹۲} و محاربه^{۹۳} و افساد فی‌الارض؛ ج) جرایم اقتصادی^{۹۴} با موضوع جرم بیش از یکصد میلیون ریال.

۲-۶- تعویق صدور حکم

یکی از نهادهایی که در تمامی جوامع از قدیم‌الایام مورد نظر قانونگذار بوده است، نهاد تعلیق مجازات است. این نهاد در جریان پیدایش مکتب تحقیق و در نتیجه تغییر رویکرد از «جرم‌مداری» به «مجرم‌مداری» و به دنبال اهمیت یافتن پرونده شخصیت متهم، برای نخستین بار در سال ۱۸۸۱ وارد نظام حقوقی فرانسه گردید و می‌توان آن را از جمله دستاوردهای جرم‌شناسی تلقی کرد.^{۹۵} در ایران نیز نهاد تعلیق مجازات برای نخستین بار در سال ۱۳۰۴ وارد نظام حقوقی شد و می‌توان گفت در حقوق ایران نیز سابقه طولانی دارد. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز نهاد تعویق صدور حکم در ذیل فصل پنجم (مواد ۴۰ الی ۴۵) آمده است. «تعویق» در لغت به معنای معلق کردن، آویختن و آویزان کردن چیزی به

85. Punishment below the limit prescribed by law discretionary correction discretionary punishment awarded by the judge punishment administered for offences.

86. Armed Robbery.

87. Kidnapping.

88. Offences against Public Decency.

89. Drug Trafficking.

90. Bootlegging.

91. Human Smuggling.

92. Assistance of Murder.

93. Restoring to Arms (in order) to Frighten People.

94. Economic Offences.

۹۵. ایولاسال، «جایگزین سلب آزادی و برآورد ترازنامه آنها در حقوق فرانسه»، ۲۷۶.

چیز دیگر آمده است.^{۹۶} در اصطلاح حقوقی، تعویق به معنای تأخیر و عقب انداختن صدور حکم است. در ماده ۴۰ ق.م.ا قانونگذار این اختیار را به دادگاه داده است که در جرایم موجب تعزیر درجه ۶ تا ۸، پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است، در صورت وجود شرایط زیر صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد: الف) وجود جهات تخفیف؛ ب) پیش‌بینی اصلاح مرتکب؛ پ) جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران؛ ت) فقدان سابقه کیفری مؤثر. تبصره ماده مذکور نیز محکومیت مؤثر را محکومیتی می‌داند که محکوم^{۹۷} را به تبع اجرای حکم بر اساس ماده ۲۵ این قانون، از حقوق اجتماعی^{۹۸} محروم می‌کند. لذا به موجب قانون مذکور، دادگاه در همه جرایم، اختیار و صلاحیت لازم برای تعویق صدور حکم را ندارد و فقط در جرایم تعزیری درجه ۶ تا ۸ می‌تواند پس از احراز مجرمیت، صدور حکم را در صورت وجود شرایط مذکور در ماده ۴۰ به مدت ۶ ماه تا ۲ سال به تعویق اندازد. این نهاد به صورت قرار^{۹۹} صادر می‌شود و نه حکم^{۱۰۰} و زمان صدور قرار نیز باتوجه به ماده ۴۰ پس از احراز مجرمیت مرتکب است، لذا صدور این قرار در دادرسی موضوعیت نخواهد داشت.^{۱۰۱} تعویق نیز وفق ماده ۴۱ همان قانون به شکل ساده یا مراقبتی است. در تعویق ساده مرتکب به طور کتبی متعهد می‌گردد، در مدت تعیین شده به وسیله دادگاه، مرتکب جرمی نشود و از نحوه رفتار وی پیش‌بینی شود که در آینده نیز مرتکب جرم نمی‌شود. در تعویق مراقبتی علاوه بر شرایط تعویق ساده، مرتکب متعهد می‌گردد دستورهای و تدابیر مقرر شده به وسیله دادگاه را در مدت تعویق رعایت کند یا به موقع اجرا گذارد. هر چند بحث نهاد تعویق صدور حکم مورد مناقشه عده‌ای از علماء واقع گردیده که بایستی مجرم حتماً مجازات گردد، ولی می‌توان از نهاد تعویق صدور حکم که یکی از تأسیسات حقوقی مهم است، به عنوان یکی از ابزارهای کیفرزدایی یاد کرد که می‌تواند آثار مطلوبی برای نظام جزایی داشته باشد و باعث دور نگه داشتن مجرمان اتفاقی از ارتکاب جرم جدید و کمک به بزهدار برای بازاجتماعی شدن و بازگشت به زندگی عادی در جامعه و صرفه‌جویی در هزینه‌های زندان^{۱۰۲} و استفاده

۹۶. عمید، فرهنگ فارسی عمید، ۴۰۴.

97. Convict/ Condemned.

98. Social Rights.

99. Order/ Award/ Injunction

100. Warrant/ Command/ Order.

۱۰۱. بابایی، غلامی، «مهم‌ترین جلوه‌های کیفرزدایی در قانون جدید مجازات اسلامی»، ۷۰.

102. Prison.

جامعه از کار و فعالیت مجرمین و کاهش تقلیل آمار جرایم تکراری شود. علاوه بر این، استفاده از این نهاد تا حدود زیادی از تحقق پدیده پذیرش فرهنگ زندان^{۱۰۳} پیشگیری می‌کند و فرایند بازپروری اجتماعی را نیز تکمیل می‌نماید.^{۱۰۴}

۲-۷- معافیت از کیفر

معافیت از کیفر موضوعی است که قانونگذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به آن پرداخته است. قانونگذار با ایجاد این تأسیس حقوقی، اختیارات دادگاه را در استفاده از آن و بازاجتماعی کردن مجرم و تخفیف دادن مجازات مجرم وسعت داده است. در این تأسیس حقوقی نوین، با وجود احراز مجرمیت فرد بزهکار دادگاه او را از کیفر معاف می‌کند که خود به‌نوعی از انواع پاسخ‌های غیرکیفری محسوب می‌گردد. ماده ۳۹ ق.م.ا اشعار می‌دارد: «در جرایم تعزیری درجه‌های ۷ و ۸، در صورت احراز جهات تخفیف چنانچه دادگاه پس از احراز مجرمیت، تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب اصلاح می‌شود، در صورت فقدان سابقه کیفری مؤثر و گذشت شاکی و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن می‌تواند حکم به معافیت از کیفر صادر کند.» همان‌گونه که مشاهده می‌گردد، قاضی دادگاه صرفاً در جرایم تعزیری درجه پایین یعنی ۷ و ۸ اختیار استفاده از این تأسیس حقوقی را دارد و ملزم نمی‌باشد که حتماً از این نهاد غیرکیفری استفاده نماید، بلکه با در نظر گرفتن شرایط و مفاد ماده ۳۹ قانون مذکور، اقدام به صدور حکم معافیت از کیفر خواهد نمود. در ماده ۴۵ ق.م.ا نیز به نهاد فوق‌الاشعار اشاره شده است. طبق همین ماده، پس از گذشت مدت تعویق، با توجه به میزان پایبندی مرتکب به اجرای دستورهای دادگاه، گزارش‌های مددکار اجتماعی و نیز ملاحظه وضعیت مرتکب، دادگاه حسب مورد به تعیین کیفر یا صدور حکم معافیت از کیفر اقدام می‌کند؛ بنابراین این نهاد نیز می‌تواند یکی از نهادهای مؤثر و مفید در بازاجتماعی کردن بزهکاران و بازگشت او به جامعه محسوب گردد. بدین ترتیب علاوه بر اینکه نهاد مذکور می‌تواند نقش عمده در کاهش جمعیت کیفری و به‌ویژه کاهش جمعیت زندان داشته باشد، همانند نهاد جایگزین‌های حبس، تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، نظام نیمه‌آزادی و مواردی از این قبیل از جلوه‌های کیفرزدایی و پاسخ غیرکیفری در قانون مجازات اسلامی جدید ۱۳۹۲ تلقی می‌گردد. باین‌حال، صرف‌نظر از اینکه استفاده از این نهادهای نوین می‌تواند نتایج مطلوبی از جمله حفظ ثبات خانوادگی مجرم، کمک به مجرم برای بازاجتماعی

شدن و بازگشت به زندگی عادی در جامعه و ... به دنبال داشته باشد، اما شاید دلیل اصلی تأسیس چنین نهادهایی، بیشتر برای تعدیل جمعیت کیفری و به‌ویژه کاهش زندانیان باشد که خود نیز منجر به کاهش هزینه‌های دولت و صرف چنین هزینه‌های گزاف به عمران مملکت خواهد بود.

نتیجه

به‌طور کلی، بر اساس مطالعات و تحقیقات به‌عمل آمده در بیشتر کشورها و حتی ایران، پاسخ‌های کیفری (مجازات‌ها) در تحقق رسالت‌ها و اهدافش موفق نبوده است. به‌نحوی که پاسخ‌های کیفری نتوانسته از وقوع یا تکرار جرم جلوگیری نماید و به همین دلیل یکی از انگیزه‌های تدوین و تنظیم پاسخ‌های غیرکیفری در قانون مجازات ۱۳۹۲ همچون جایگزین حبس، آزادی مشروط، نظام نیمه‌آزادی و امثالهم نشئت گرفته از همین امر بوده است؛ زیرا آمارها نشان می‌دهد که قسمتی از جمعیت کیفری زندان را تکرارکنندگان جرم تشکیل می‌دهند. بدین معنا که پاسخ‌های کیفری همچون حبس نتوانسته در دستیابی به اهداف خویش موفق باشد. از این جهت، به‌علت برخی مشکلات و معایب وارده بر مجازات‌ها (پاسخ‌های کیفری) و ساختار اجرایی آن، استفاده وسیع از پاسخ‌های کیفری در غالب موارد، به‌عنوان یک اصل در مجموعه قوانین و مقررات جزایی و حتی در رویه دادگاه‌ها در ایران غیرضروری و نامناسب به‌نظر می‌رسد و بایستی از پاسخ‌های کیفری صرفاً در موارد خاص و استثنائی استفاده گردد؛ یعنی در واقع اصل حداقل بودن حقوق جزا رعایت شود. به‌همین دلیل است که قانونگذار ایران در سال ۱۳۹۲ بر اساس مطالعاتی که در حیطه جرم‌شناسی و کیفرشناسی به‌کار بست، به این نکته مهم دست یافت که بایستی پاسخ‌های غیرکیفری به‌جای پاسخ‌های کیفری (مجازات‌ها) در قانون جدید مدنظر قرار گیرند. به‌نحوی که قبلاً در قوانین سابق بحثی از اکثر موارد پاسخ‌های غیرکیفری نبوده، درحالی که در قانون ۱۳۹۲ به مواردی از جمله دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی روزانه، جزای نقدی، تعویق صدور حکم، معافیت از کیفر و جایگزین‌های حبس اشاره شده است؛ یعنی در واقع قانونگذار ایران در تصویب قانون جدید مجازات‌ها بر عدم مجازات کیفری بنا نهاده است که اگر قوه قضائیه و سایر نهادهای مسئول اعم از قضایی و اجرایی مقدمات و زمینه استفاده از این پاسخ‌های غیرکیفری را در برنامه کاری خود قرار داده و مبنای بیشتر بر اصل حداقل بودن حقوق جزا و اصل تناسب جرم و مجازات و ملاحظه شخصیت فردی و اجتماعی شخص بزهکار قرار دهند و در این بادی از برنامه‌های آموزشی و اجتماع‌محور یاری طلبند، قطعاً موجب فرهنگ‌سازی عدم وقوع جرم و بالتبع عدم تکرار آن خواهد شد و آمار جرایم نیز کاهش پیدا خواهد کرد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- آلبرشت، هانس یورگ. *از دحام در زندان‌ها*. ترجمه حسین غلامی. چاپ اول. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۵.
- اردبیلی، محمدعلی. *حقوق جزای عمومی*. جلد سوم. چاپ سوم. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۳.
- ایولاسال، ژان. «جایگزین سلب آزادی و برآورد ترازنامه آنها در حقوق فرانسه». ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی. *مجله تحقیقات حقوقی* ۳۱ و ۳۲ (۱۳۷۹): ۲۸۲-۲۷۱.
- آقائی، بهمن. *فرهنگ حقوقی بهمن*. چاپ پنجم. تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۲.
- بابایی، غلامی، میثم محمدعلی. «مهم‌ترین جلوه‌های کیفرزدایی در قانون جدید مجازات اسلامی». *پژوهش‌نامه اندیشه‌های حقوقی* ۳ (۱۳۹۱): ۸۰-۵۹.
- بانک اطلاعات نشریات کشور. www.magiran.com.
- بکاریا، سزار. *رساله جرایم و مجازات‌ها*. ترجمه دکتر محمدعلی اردبیلی. چاپ پنجم. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۵.
- بولک، برنار. *کیفرشناسی*. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی. چاپ هفتم. تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۶.
- پایگاه مجلات تخصصی نور. www.noormags.ir.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. *ترمینولوژی حقوق*. چاپ سیزدهم. تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۲.
- جمعی از نویسندگان. *علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)*. چاپ سوم. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۹.
- دهخدا، علی‌اکبر. *لغت‌نامه*. جلد اول. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
- رستمی، هادی. «جرمانگاری و کیفرگذاری در پرتو اصول محدودکننده آزادی در نظریه لیبرال». *پژوهش‌نامه حقوق کیفری* ۵ (۱) (۱۳۹۳): ۸۱-۵۵.
- رفیعی، محمدتقی. *فرهنگ حقوقی مجد*. چاپ چهارم. تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۳.
- زهر، هوارد. *کتاب کوچک عدالت ترمیمی*. ترجمه دکتر حسین غلامی. تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۳.
- سامانه مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی. www.lawresearchmagazine.ir.
- ساولانی، اسماعیل. *حقوق جزای عمومی*. چاپ سوم. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۲.
- صانعی، پرویز. *حقوق جزای عمومی*. چاپ اول. تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۸۲.
- صفاری، علی. *کیفرشناسی*. چاپ بیست و هشتم. تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۴.

- عمید، حسن. فرهنگ فارسی عمید. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- غلامی، حسین. تقریرات درسی کیفرشناسی. دوره دکتری تخصصی، اردبیل: دانشگاه آزاد اردبیل، ۱۳۹۵.
- غلامی، حسین. تکرار جرم (بررسی حقوقی - جرم‌شناختی). چاپ سوم. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۳.
- غلامی، حسین. عدالت ترمیمی. چاپ پنجم. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۳.
- غلامی، حسین. کیفرشناسی. چاپ اول. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۵.
- قوانین (معاونت آموزش دادگستری استان تهران). www.ghavanin.ir.
- گلدوزیان، ایرج. بایسته‌های حقوق جزای عمومی (۳-۲-۱). چاپ هفدهم. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۸.
- گلدوزیان، ایرج. محشای قانون مجازات اسلامی. چاپ سوم. تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۳.
- مصلحی، مهرداد. فرهنگ حقوقی. چاپ پنجم. تهران: انتشارات قلم، ۱۳۸۸.
- نحفی ابرندآبادی، علی‌حسین. «تلاش‌های بین‌المللی و قانونگذاری ایران برای تمدید موارد اعمال مجازات سالب آزادی». فصلنامه مدرس (علوم انسانی) ۹ (۱۳۷۷): ۲۸-۲.
- نوربها، رضا. زمینه حقوق جزای عمومی. چاپ سیزدهم. تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۴.
- نیکبخت، سارا. کیفرشناسی. چاپ اول. تهران: انتشارات کتاب آوا، ۱۳۹۳.
- والهی، حمید، سید رضا احسان‌پور. «جایگاه جایگزین‌های مجازات حبس با رویکرد فردی کردن آنها در نظام عدالت کیفری ایران». فصلنامه مجلس و راهبرد ۸۵ (۱۳۹۵): ۲۷۸-۲۴۷.
- ولیدی، محمدصالح. «نقش تعدیل‌کننده تعلیق مراقبتی به‌عنوان کیفر جایگزین زندان». ماهنامه دادرسی ۲۳ (۱۳۷۹): ۲۷-۵.

ب) منابع انگلیسی

- Berlin, Isaiah. *Two Concepts of Liberty*. Oxford: Oxford University Press, 1958.
- Craig, L. A. *What Works in Offender Rehabilitation*. Canada: Wiley Blackwell, 2013.
- Deigh, Jon. "On the Right to be Punished: Some Doubts." *Ethics* 94(2) (1984): 211-191.
- Durisch, C. *The Death Penalty and the Most Serious Crimes, a Country-by-Country - Overview of the Death Penalty in Law and Practice in Retentionist States*. Western Cape: International Commission against the Death Penalty, 2013.
- Husak, Douglas. *Overcriminalization, the Limits of Criminal Law*. New Jersey: Rutgers University Press, 2008.
- Marshall, Tony F. *Restorative Justice, an Overview*. London: Home Office Research, Development and Statistics Directorate, 1999.
- Morris, Herbert. "Persons and Punishment." *The Monist* 52(4) (1968): 501-475.
- Sherman, L. w. and H. Strang. *Restorative Justice: The Evidence*. UK: The Smith Institute, 2007.
- The Free Dictionary by Farlex. www.thefreedictionary.com.

Journal of LEGAL RESEARCH

VOL. XVIII, No. 3

2019-3

- **International Criminal Tribunal Approach to Forced Marriage as Sexual Violence**
Dr. Ahmadreza Tohidi & Azadeh Dadashi
- **Renegotiation; Reflection of the Need to Maintain the Economic and Financial Equilibrium of Upstream Petroleum Contracts**
Dr. Mohammad Namdar Zangeneh & Dr. Seyyed Hossein Tabatabaei
- **Civil Liability of Natural Persons Resulting from Transmission of Contagious Diseases with Emphasis on British Law**
Dr. Alireza Rajabzadeh & Bahareh Shafiei
- **A Comparative Study of Abandoned Ship Ownership and Its Rules in the Maritime Law System of Iran, US, UK and France**
Seyyed Abbas Motevalli & Dr. Mahmoud Qayyumzadeh & Dr. Seyyed Morteza Naeimy
- **The Causes and the Uses of Non-Criminal Responses instead of Answering Criminal (Punishment) of the Penal Code, Adopted in 1392**
Dr. Ramin Alizadeh & Dr. Mohammad Ali Jahed
- **Prevention and Compensation Methods in Violation of Intellectual Property Rights (In Iranian Law and International Documents)**
Sakineh Dehghan
- **A Comparative Study of Foreign Participation in Commercial Companies of Free Zones**
Elham Meghraziasl
- **The Nature of Impossible Offence in Iran's Law with Respect to English Law**
Dr. Abolhasan Shakeri & Dr. Mahmoud Darvish Torabi
- **ASEAN Dispute Settlement Mechanisms; A Model for the Economic Cooperation Organization (ECO)**
Mohammad Reza Narimani Zamanabadi
- **Koyban as a Prosecutor in the Zoroastrian Law**
Aziz Nokandeh
- **Prevention of Victimization of Judiciary's Staff in Iran: Case Study of Broujerd City**
Dr. Javad Riahi & Dr. Esmacil Sharifi & Azin Rouhani
- **International Commercial Words a Mistaken Equivalent Used in Farsi ITL Literature for "INCOTERMS"**
Seyyed Aziz Masoumi
- **Identifying and Preventing Opportunities for Organized Crime in the International Antiquities Market**
Author: Dr. Simon Mackenzie, Translator: Bahareh Ghanoon

